دکتر موسی نجفی مطرح کرد:

پیوند ایران و تشیع؛ راز ایستادگی تاریخی ایران

رسانه KHAMENEI.IR در پرونده «روایت فتح» به تحلیل کلان پیروزی جمهوری اسلامی ایران درنبرد تحمیلی ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی با نگاه به نقش رهبر معظم انقلاب اسلامی در هدایت کشور در این دوره می‌پردازد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا در سومین پیام تلویزیونی در پی تهاجم رژیم صهیونی با تبریک به ملّت بزرگ ایران برای پیروزی در این نبرد تأکید کردند: رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادّعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیّله آنها خطور نمی کرد و اتّفاق افتاد. خدا را سپاس می گزاریم که به نیروهای مسلّح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چند لایه پیشرفته آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشک های خودشان و با تهاجم قویّ سلاح پیشرفته خودشان با خاک یکسان کنند! این یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی است.

به همین منظور، بخش «درس و عبرت تاریخ» رسانه KHAMENEI.IR در گفت‌وگوی تفصیلی با دکتر موسی حقانی، رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر، به بررسی کنش تاریخی ایرانیان در برابر بحران ها پرداخته است.

در جنگ دوازده‌روزه با اسرائیل، یک اتّفاق مهم افتاد و آن انسجام ملّی بود که بر محور ایران شکل گرفت. این هویّت ملّی ایرانیان چه ویژگی هایی دارد که وقتی یک دشمن خارجی به این کشور حمله می کند، ما این قدر زود با هم متّحد می شویم و در مقابل دشمنان مقاومت می کنیم؟

ما یک ملّتیم؛ شاید بشود گفت که آن نقطه قوّت ما در همین ملّت بودنمان است. شما در خیلی از این کشورهای بزرگ یا کوچک منطقه این پدیده را نمی بینید. «ملّت» به این معنی که یک بخشی از جامعه انسانی در یک جا سکونت داشته باشند، سرزمین داشته باشند و از جهت جمعیّت هم جمعیّت قابل توجّهی داشته باشند؛ یا اینکه آرمان های مشترک داشته باشند، زبان مشترک داشته باشند، دین مشترک داشته باشند. این مؤلّفه ها در ملّت ایران وجود دارد و از همه مهم تر این است که اگر بخواهیم به همان مؤلّفه اوّل بپردازیم، می بینیم که این ملّت هفت هزار سال در این سرزمین زندگی کرده اند! این، یک ظرفیّت ها و یک ویژگی هایی به این ملت داده، مضافا این که این هفت هزار سال زندگی یک زندگی آرامی نبوده است.

این منطقه، از لحاظ ژئوپلتیک و از جهت راهبردی، منطقه بسیار مهمّی است. ما در قلب زمین واقع شده ایم و بسیاری از تحوّلات بزرگ دنیا و اساساً شکل گیری تمدّن ها در این منطقه رخ داده که کشور ما یکی از نقاط کانونی شکل گیری تمدّن بشری است. اوّلین نشانه های زندگی تمدّنی بشر در این منطقه شکل گرفته و ایرانی ها در ساختن آن نقش اساسی و جدّی دارند.

همچنین، این کشور نقشی اساسی در ساختن فرهنگ این منطقه دارد. الان اغلب اندیشمندان کشورهای منطقه ـ از ترکیه که تکیه بر سابقه امپراتوری عثمانی دارد تا بسیاری از کشورهای دیگر که برخی از جهت قدمت سابقه ندارند، برخی هم سابقه دارند ـ همه اعتراف دارند که ایرانی ها از همه جهت جزو سازندگان این منطقه هستند؛ از جهت فرهنگ و ساختار سیاسی و زبان و فرهنگ غذایی و سبک زندگی و... شما می بینید که الان اندیشمندان ترک اعتراف می کنند و می گویند که ما اساساً اسلام را از ایرانی ها گرفتیم؛ پذیرش اسلام نه تنها خود ایرانی ها را وارد یک مرحله جدید کرد، بلکه سایر ملل را هم ارتقاء داد. زبان فارسی زبانی است که در سراسر این منطقه رواج داشت؛ در بعضی از مناطق زبان اوّل است، در بعضی از مناطق زبان دوّم است و این با تمام زوایای زندگی مردم این منطقه ـ مخصوصاً کشورهایی که با ما همسایگی نزدیک دارند و در دوره هایی بخشی از ایران محسوب می شدند ـ مرتبط است.

ببینید! این ملّت بودن، قدمت حضور ما در این منطقه و نقش آفرینی ما در ساختن این منطقه و دست و پنجه نرم کردن با حوادثی که ملّت ایران در این چند هزار سال با آن روبه رو بوده، باعث شد که به این اصل مهم پی ببرد که اگر پای سرزمین و آرمان های خودش نَایستد، توسّط دشمنانش در این منطقه مهم و حسّاس از بین خواهد رفت. بنابراین، ما در مقاطع مختلف می بینیم که وقتی ایران مورد هجوم قرار می گیرد، مردم ما پای دفاع از کشورشان می ایستند و صحنه را خالی نمی کنند؛ حتّی مواردی داریم ـ که حالا من بعداً که بخواهم مثال بزنم، خدمتتان عرض می کنم ـ که حاکمیّت ها در این تقابل کم می آورند، ولی ملّت همچنان می ایستد و ایستادگی می کند. از جهت فرهنگی، ما ایرانی ها حتّی از قبل از اسلام یک آرمان مشترک حول توحید داشتیم و آن آرمان مشترک ما یعنی عدالت بود؛ به همین جهت، ایرانی ها همواره به دنبال عدالت بودند و سعی داشتند به این گوهر دسترسی پیدا کنند. اینکه ایرانی ها اسلام را با آغوش باز پذیرفتند، یکی از دلایلش همان ندای عدالت بخش و عدالت آفرین اسلام بود که ایرانی ها به آن پاسخ دادند و به سلام اسلام پاسخ مثبت دادند.

این علاقه به وحدانیّت و توحید و اخلاق گرایی که در تاریخ ایران سراغ داریم، باعث شد که ما شاهد یک دوره شکوفایی از جهت جهان داری در کشورمان و در این سرزمین باشیم. ملّت ایران ملّتی است که خودش در دوره هایی جهان داری کرده؛ یعنی حدّاقل یکی از قدرت های بزرگ جهانی بوده است. این ملّت از جهت درک و فهم بایسته های حفظ و نگهداری سرزمین خودش و حفظ و نگهداری تمامیّت وجودی خودش، با ملّت هایی که این سابقه را ندارند بسیار تفاوت دارد. واقعاً تراز ملّت ایران در صیانت از سرزمین خودشان، در صیانت از باورهای خودشان، در رشد و ارتقای باورهای خودشان، در بین ملل جهان بی نظیر است.

بحث من مربوط به قبل از اسلام است، امّا بعداً وارد دوران اسلامی هم می شویم؛ مثلاً دوره صفویّه یک مقطع درخشان در سیر تاریخی ملّت ایران است. ما ملّت کارآزموده ای هستیم و در منطقه ای زندگی می کنیم که در قلب زمین واقع شده و از قدیم، قدرت های بزرگ به این سرزمین طمع داشته اند. دو هزار سال است که هیچ نسلی از ایرانی ها نبوده که یکی دو جنگ را یا مستقیم یا غیرمستقیم تجربه نکرده باشد. این را هم به آن ظرفیّت تمدّنی و تاب آوری اضافه کنید. وقتی در منطقه ای زندگی می کنید که هم از جهت جغرافیایی نقاط قوّت دارد و هم نقاط ضعفی مثل کم آبی تاریخی و تهدیدهای نظامی وجود دارد، پدران ما و گذشتگان ما در مقابله با این پدیده ها ـ چه طبیعی و چه ناشی از جنگ ها و توسعه طلبی های قدرت های بزرگ در مقاطع مختلف ـ در طی سال ها کارآزموده شده اند؛ در این صورت، ملّت ایران به طور طبیعی وقتی با پدیده ای مانند جنگ و هجوم به کشورش مواجه می شود، دست و پایش را گم نمی کند؛ ضمن اینکه می داند قدرت هایی در طول تاریخ به این سرزمین طمع داشته اند و اگر ذرّه ای سستی می کرد، این سرزمین از دست می رفت.

با ورود اسلام به ایران، ایرانی ها در برابر سپاهیان مسلمان بر اساس شکست نظامی تسلیم نشدند؛ از نظر قدرت و برتری مادّی هم هیچ توازنی بین قدرت ایران و اعراب مسلمانی که به ایران حمله کردند وجود نداشت. ایرانی ها قلباً اسلام را پذیرفتند. در آن دوران که عصر انحطاط ساسانیان بود، مردم ایران منتظر تحوّل بودند؛ امّا در این تحوّل، انسجام خودشان را حفظ کردند و تمام ظرفیّت های تمدّنی خود را در خدمت اسلام قرار دادند که باعث شکل گیری تمدّن اسلامی شد.

پس این ملّت نه تنها دست و پایش را گم نکرد، بلکه اغلب مردم انتخاب کردند و ظرفیّت های خود را در اختیار دین جدیدی گذاشتند که خواسته های آن ها از جمله توحید و عدالت را بیان می کرد. وقتی هم با کج روی هایی مانند خلفای اموی و عبّاسی مواجه شدند، ایرانی ها به اصیل ترین لایه اسلام یعنی مکتب اهل بیت و مذهب تشیّع رجوع کردند. به همین دلیل، تشیّع در ایران ریشه دواند و از بعد ورود اسلام به ایران، یکی از مؤلّفه هایی که به هویّت ملّی و هویّت تاریخی ما اضافه شد، اسلام و در گام بعد تشیّع بود. این آرمان مشترک، به‌ویژه بعد از شکل گیری دولت صفوی که استقلال ایران را دوباره اعاده کرد، باعث شد ایران به عنوان یک واحد سیاسی احیا و ظرفیّت های تمدّنی اش به سرعت بازسازی شود.

بنابراین، ما در طول چند هزار سال سابقه تاریخی، شاهد تداوم تاریخی ملت ایران و عناصر هویتی آن هستیم. تداومی که گسستی ندارد. این تداوم، ملّت را سرپا نگه داشته است و هرگاه با پدیده ای جدید مانند اسلام مواجه شده، تلاش کرده آن ظرفیّت تمدّنی خود را با ظرفیّت جدید انطباق دهد و ظرفیت جدیدی مانند تمدّن اسلامی را شکل دهد. تمدّن اسلامی بدون ایران و ایرانی و سابقه تمدّنی آن شکل نمی گرفت، چون در سرزمین های اعراب چنین ظرفیّتی وجود نداشت.

از بعد صفویّه، اتّفاق مهمّی رخ داد که دلیل اصلی تاب آوری و ایستادگی ایران در پانصد سال اخیر است: اتّحاد دیانت و سیاست در قالب اتّحاد ایرانیّت و تشیّع. با روی کار آمدن صفویه و رسمیت یافتن تشیع در ایران رابطه ای بین ایرانیّت ـ یعنی سرزمینی که در آن زندگی می کنیم ـ با آن ظرفیّت تمدّنی و تشیّع که از قرون دوّم و سوّم در ایران ریشه دوانده بود شکل گرفت. در دولت صفوی، این رابطه به تحوّل جدیدی در مسیر تکامل هویّت ملّی منجر شد؛ همان طور که گفتم، ایرانی ها به اصیل ترین لایه اسلام، یعنی رکن «عدالت» و «ولایت»، رجوع کردند؛ «ولایت» به معنای پذیرش سرپرستی معصوم یا کسی که از سوی معصوم اذن دارد. این تحوّل جدّی در ایران به وجود آمد و تداوم تاریخی ملّت را در قالب اتّحاد دیانت و سیاست و احیای هویّت ملّی ایران تثبیت کرد. لذا رابطه ای ایجاد شد که ما از آن به عنوان رابطه «ظرف و مظروف» یاد می کنیم؛ ایران شد ظرف، و مظروف آن شد تشیّع. رابطه ناگسستنی ظرف و مظروف یا ایران و تشیع در طول چند قرن به قدری درهم تنیده شد که آسیب وارد شدن به هرکدام از این ظرفیت ها منجر به نابودی دیگری می شد. این تداوم ارتباط تشیع و ایرانیت درطی چند قرن باعث شد که غیرایرانیان، نام ایران و رسم تشیع را مترادف یک دیگر دانسته و به واسطه اکثریت شیعه و رسمیت مذهب تشیع در ایران نام ایران مترادف با تشیع و عنوان شیعه مترادف با ایران و ایرانی شود. باید یادآوری کنم که قبل از ظهور صفویّه، کشور ایران در آستانه فروپاشی بود و شرایط ملوک الطّوایفی و تعدّد مذاهب در کشور باعث شده بود هر بخشی تحت نفوذ یکی از این گروه ها باشد. اگر قراقویونلوها شیعه بودند، آق قویونلوها اهل سنّت محسوب می شدند؛ همچنین، آل جلایر، آل مظفّر و طوایفی مانند این ها. بنابراین، می شود گفت که ایران بین آل های مختلف تقسیم شده بود. اگر آن تحوّل صورت نمی گرفت و هوش تمدّنی ایرانی ها وارد عمل نمی شد تا این چندپارگی و شرایط ملوک الطّوایفی را به انسجام ملّی و سرزمینی تبدیل کند، امروز نمی توانستیم شاهد ایران یکپارچه ای باشیم که داریم در آن زندگی می کنیم.

در صحبت هایتان اشاره داشتید به این موضوع که در مقاطعی از تاریخ، حاکمیّت در مقابله با هجوم دشمنان کم آورده بود، ولی مردم ایستادگی کردند. من این را می خواهم ادامه دهم و ربط بدهم به رهبری امام خمینی و حضرت آقا در چند سال گذشته. لطفاً چند مورد تاریخی را ذکر کنید که مردم ایستادند ولی به خاطر ضعف یا نبود قدرت حاکمیّت، شکست خوردیم؛ همچنین بفرمایید که در طول این چهل سال، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای چه کار کردند که توانستیم تمامیّت ارضی مان را حفظ کنیم؟

این رابطه ظرف و مظروف که در ایران بین ملّیّت ما و تشیّع شکل گرفته، رمز ماندگاری ایران در پانصد سال اخیر و به‌ویژه در دویست سال اخیر است. علی رغم اینکه شاهد حاکمیّت هایی بودیم که یا توان ایستادگی در برابر بیگانگان را نداشتند یا مثل پهلوی ها اساساً دست نشانده آن ها بودند، امّا مردم در دفاع از کشور و ایستادگی در برابر تهاجمات مختلف ـ که فقط نظامی نبود بلکه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هم بود ـ مقاومت کردند. این مقاومت به پیوند ایرانیّت و تشیّع و آن رابطه ظرف و مظروف برمی گردد. ایرانی ها فهمیدند که اگر ایران تضعیف شود، تشیّع و اسلام هم تضعیف خواهد شد. ما این را فقط از منظر فرقه ای و مذهبی نگاه نمی کنیم، بلکه بخشی از جهان اسلام هستیم و رسالت خودمان می دانیم که از آموزه هایی که از سوی خداوند، پیامبر گرامی و ائمّه معصومین برای هر مسلمانی تکلیف آوراست، از سرزمین های اسلامی و مستضعفان حمایت کنیم و در مقابل ظلم دشمنان اسلام بِایستیم. این موضوع فراتر از مؤلّفه های صرفاً مذهبی است.

برای همین، برادران اهل سنّت ما هم در این سرزمین دو انگیزه برای دفاع دارند: یکی اینکه این سرزمین مال آن ها است و هزاران سال در آن زندگی کرده اند، و دوّم اینکه محبّت اهل بیت در میان برادران اهل سنّت هم وجود دارد که باعث انسجام بیشتر این ظرف و مظروف شده است. حتّی اقلّیّت های دینی مثل کلیمی ها و ارمنی ها هم این فضا را درک کرده اند؛ آن ها هم این پیوستگی ایرانیّت و تشیّع و نقش آن در حفظ ایران را ملموس می دانند. مثلاً در ایّام عزای سیّدالشّهداء یا امیرالمؤمنین، اقلّیّت ها هم احترام می گذارند، نذری می دهند و در راهپیمایی اربعین شرکت می کنند. این رفتار از یک ملّت بافرهنگ و دارای یک تمدّن بلند حاصل می شود؛ در کشورهای دیگر چنین رفتاری کمتر دیده می شود. شما ببینید همان موقع که اقلّیّت های دینی ـ مثلاً یهودی ها ـ در جهان کشتار می شدند، در ایران چتر امنی بر سرشان گسترده شده بود، به واسطه همین معارف شیعی، به واسطه مجاهدت و حمایتی که مراجع ما و علمای شیعه حتّی از اقلّیّت های دینی می کردند. مجتهد شیعی از دنیا می رود و در صف اوّل عزاداری و سینه زنی برای مجتهد شیعی، اقلّیّت های دینی قرار دارند! این انسجام اصلاً یک چیز خاصّی است که در ایران رخ داده است. مرحوم آقانجفی در اصفهان وقتی از دنیا می روند، اقلّیّت های دینی و در رأس آن ها کلیمی ها در عزاداری شرکت می کنند و می گویند «حجّت الاسلام ما، رفت زدار فنا» و بعد سینه می زنند. در تهران، حاج ملّاعلی کنی وقتی مرحوم می شود، وقتی آقای آسیّدعبدالله بهبهانی توسّط تروریست های قفقازی به شهادت می رسد، این اقلّیّت های دینی هستند که می آیند در عزاداری شرکت می کنند و اعلام انزجار می کنند از قاتلان و از تروریست ها و اظهار تأسّف می کنند از اینکه یک عالم شیعی که این ها در پناه او زندگی می کردند از دنیا رفته. این همان ظرفیّت تمدّنی چند هزارساله است که در قالب اسلام و تشیّع به اوج خودش رسیده است.

اگر این آموزه های دینی و فرهنگ متعالی اسلامی ایرانی گسترش یابد، در دیگر نقاط جهان هم می توان شاهد چنین همراهی هایی بود. مثلاً در هند، عشق به سیّدالشّهداء و اهل بیت حتّی در بین غیرمسلمانان و هندوها هم به صورت بارزی دیده می شود. این نشانه پختگی تمدّنی ای است که از ایران به آسیا، آفریقا و بخشی از اروپا منتقل شده و ان شاءالله این پیوند بتواند مرزهای غیرواقعی را بردارد و رشد و تعالی انسانی را در جهان به ارمغان آورد.

در مقاطع مختلف تاریخی، این درک وجود داشته که آسیب به تشیّع یعنی آسیب به ایران، و آسیب به ایران یعنی آسیب به ظرفی که تشیّع در آن استقرار یافته. این استقرار، هم به تشیّع کمک کرده که توانمندی هایش را بُروز دهد و هم به اسلام و سرزمین های اسلامی یاری رسانده است. مثلاً در بین علمای شیعه، هیچ مرجع یا زعیمی نیست که در صورت هجوم به سرزمین های اسلامی، برای دفاع از آن ها ـ که الزاماً شیعه هم نیستند ـ فتوای جهاد صادر نکند. در اشغال لیبی، مصر یا عراق توسّط بیگانگان، مراجع شیعه فتوای جهاد صادر کردند. این ظرفیّت در ایران شکل گرفته و پایگاهی برای صیانت، در درجه اوّل از شیعیان و در درجه بعد، از برادران مسلمانمان در سراسر جهان و حتّی از اقلّیّت های دینی در کشورمان و منطقه شده است. نمونه بارزش مجاهدت جانانه فرزندان این سرزمین، به‌ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی در مقابله با داعش در عراق بود که از طوایف، مذاهب و ادیان مختلف دفاع کردند.

در دوره صفوی، با همین آموزه ها توانستیم از ایران دفاع کنیم. دشمنان ما هم به اهمیت این ارتباط ظرف و مظروف واقف بودند به همین جهت سلطان عثمانی در جنگ با صفوی ها برای پایان نزاع دو شرط گذاشت: اوّل کنار گذاشتن نام ایران و دوّم کنار گذاشتن رسم تشیّع! امّا ایرانی ها نه اسم ایران را کنار گذاشتند، نه رسم تشیّع را؛ و با گذشت زمان، این ارتباط بین نام ایران و تشیّع عمیق تر شد. هر حکومتی در چند قرن اخیر این رابطه را فهمید و تقویت کرد، هم ایران را پایدارتر می کردند و هم خودشان را؛ امّا هر حکومتی که این پیوند را درک نکرد، هم به ایران لطمه زد و هم خود چندان پایدار نماند. مثلاً نادرشاه افشار در ابتدا توانست انسجامی ایجاد کند و بخش هایی از سرزمین از دست رفته را بازپس گیرد، امّا در ادامه به تشیّع و عشق به اهل بیت بی توجّهی کرد و تشیّع را از رسمیّت انداخت؛ همین اشتباه باعث شد که پایه های مشروعیّت او فروبریزد و پس از کشته شدنش، حکومت افشاریّه نتوانست پایدار بماند. همین خطاها را رضاشاه و پهلوی ها هم تکرار کردند؛ آن ها به دروغ ادعا می کردند با تأکید صرف بر ملّی گرایی و کنار گذاشتن این پیوند می توانند قدرت ایران را احیا کنند، در حالی که این تصوّر اشتباه بود و آن ها در پشت پرده باستان گرایی در صدد ریشه کن کردن اسلام در ایران بودند.

با توجّه به سابقه تمدّنی و ظرفیت آموزه های مکتب اهل بیت و تجربه دوران صفوی و دوران پس از انقلاب اسلامی می توان نتیجه گرفت قدرت ایران فقط با تداوم و تقویت پیوند بین ایرانیّت و تشیّع احیا می شود و ایران می تواند به سمت ایجاد تمدّن نوین اسلامی حرکت کند. بازگشت به دوران قبل از اسلام، بدون توجّه به تجربه گران بهای بعد از اسلام که متعلّق به مردم ایران است ـ همان طور که تجربه قبل از اسلام هم متعلّق به این ملّت متمدّن است ـ امکان پذیر نیست و این ها از هم جداشدنی نیستند. منتها متأسّفانه جریان باستان گرا و جریان نژادپرست که در دوره قاجار شکل گرفت و توسّط روشنفکران ضدّ دینی آن دوره گسترش یافت و در دوره پهلوی در قالب یک حکومت ادامه پیدا کرد، این ظرفیّت را کاملاً نادیده گرفت؛ یعنی این ها تلاش کردند هزار و دویست، سیصد سال ظرفیّتی را که اسلام به این کشور داده و مردم ما با تمام تار و پودشان به آن پیوند خورده اند، از این ملّت سلب و به جای آن به یک باستان گرایی موهوم و تقطیع شده ای از هفت هزار سال سابقه تمدّنی ایران تمسّک کنند تا بتوانند اساساً پایه ای برای مشروعیّت خودشان ایجاد بکنند! خب، این هم در دوره پهلوی با شکست مواجه شد.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۱۴۰۰۰۰۷۸۴

میزان یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۸۴ فرعی از ۴ اصلی بخش ۰۹ به مساحت ۱۱۱/۵ مترمربع (مساحت ششدانگ) به نشانی: آمل خیابان طالب آملی دریای ۴۰ پلاک ۱۳ کدپستی منصوبه ۴۶۱۵۸۸۶۶۹۴ طبقه سوم سمت غربی مالکیت روح اله غلامی نیا فرزند حسن به ش.ش ۳۰۲۰۵ ت.ت دارای ش.م ۲۱۴۰۳۰۰۵۸۰ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان متن سهم ششدانگ عرصه وقف است با شماره مستند مالکیت ۲۷۳۸۸ تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۵ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۷۲۸۲۰ سری سال که در صفحه ۳۶۳ دفتراملاک جلد ۲۹۲ ذیل شماره ۵۷۴۷۳ ثبت گردیده است. محدودیت دفتر املاک: اجاره شماره ۲۷۳۸۶ و شماره سیستمی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۵ که به نفع روح اله غلامی نیا به مبلغ ۶۲۵۰۰۰ به مدت ۵ ثبت شده حدود اربعه: شمالا به طولهای ۲/۵۰ مترو ۱/۳۵ مترو ۳/۸۵ متر دیوار و پنجره و لبه تراس است به فضای حیاط شرقا به طولهای ۶/۵۵ مترو ۱/۲۰ مترو ۵/۳۵ مترو ۰/۷۰ مترو ۱/۵۵ مترو ۰/۵۰ مترو ۵/۳۰ متر دیوار اشتراکیست به آپارتمان مجاور و درب و دیواریست به راه پله و دیوار و پنجره است به نورگیر و دیوار اشتراکیست به آپارتمان مجاور جنوبا ۱/۷۰ مترو ۰/۸۰ مترو ۵/۳۲ متر لبه تراس و دیوار و پنجره است به فضای حیاط غربا به طولهای ۶ مترو ۱/۳۵ مترو ۱/۶۰ مترو ۱/۵۰ مترو ۷/۸۵ متر دیواریست به فضای پلاک باقیمانده ۵ فرعی و دیوار و پنجره است به نورگیر و دیواریست به فضای پلاک باقیمانده ۵ فرعی

ملک مورد نظر یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با عرصه به شماره ۱۹۸۴ فرعی از چهار اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۶۱۵ فرعی از پنج فرعی از اصلی مذکور بخش ۹ حوزه ثبت آمل به مساحت صد و یازده مترو پنجاه دسیمترمربع ۱۱۱/۵ مترمربع واقع در طبقه سه بانضمام اعیان انباری به مساحت ۴/۵۵ مترمربع در طبقه همکف به انضمام اعیان پارکینگ به مساحت ۳۱/۶۰ مترمربع در طبقه همکف با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی آن تعریف گردیده که ششدانگ عرصه آن وقف تصریح شده است. محل تعرفه شده به نشانی فوق الذکر با مختصات نقطه ای از آن X:۶۲۰۵۵۲ و Y:۴۰۳۸۷۷۰ در وضع موجود یک واحد آپارتمان به مساحت ۱۱۱/۵ مترمربع واقع در سمت غربی طبقه سوم یک دستگاه ساختمان مسکونی سه طبقه روی همکف مشتمل بر شش واحد مسکونی در طبقات اول تا سوم با اسکلت بتنی قدمت بالغ بر هجده سال نمای شمالی از نوع تعمیراتی باونمای جنوبی از نوع تعمیراتی پودرسنگ و سیمان فاقد آسانسور احداثی در عرصه ای به مساحت حدود چهارصد و سی مترمربع شمالا محدود به کوچه به عرض حدود ده متر می باشد. طبقه همکف ساختمان شامل فضای پارکینگ انباری ها موتورخانه و راه پله دارای دو درب فلزی ماشین رو ریموت دار و یک درب فلزی آدم رو مشاهده شد. آپارتمان مورد نظر مشتمل بر دو اتاق خواب با کف سیمانی سالن با کف مفروش از سرامیک پوشش دیوارها رنگ آمیزی سقف با پوشش گچ آشپزخانه با کابینت MDF بانضمام اتاق پخت سرویس بهداشتی حمام و بالکن جنوبی و شمالی پنجره های شمالی از نوع آلومینیومی باشیشه دوجداره و پنجره های جنوبی از نوع آلومینیومی با شیشه تک جداره دارای آیفون تصویری سیستم گرمایشی از نوع موتورخانه و رادیاتور با امتیازات برق (مستقل) گاز و آب مشترک با سایر واحدها و در زمان بازدید خالی از سکنه ملاحظه گردیده است. محل تعرفه شده با مشخصات فنی مندرج در سند مالکیت ابرازی منتسب به پلاک شماره ۱۹۸۴ فرعی از چهار اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۶۱۵ فرعی از پنج فرعی از اصلی مذکور بخش ۹ حوزه ثبت آمل همخوانی لازم را دارد ارزش روز ششدانگ تمامت پلاک مذکور به مساحت ۱۱۱/۵ مترمربع با مشخصات فنی یاد شده اعم از حق تصرفی عرصه و مالکیت اعیان با امتیازات آب برق و گاز در صورت بلامعارض بودن به صورت تخلیه و بدون در نظر گرفتن هرگونه مبالغ بازداشتی و رهنی و دیون محتمل به مبلغ بیست و پنج میلیارد و دویست و ده میلیون ریال (معادل ۲/۵۲۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان) برآورد گردید و مستنداتی درخصوص وضعیت بیمه ملک مورد نظر ارائه نگردید.

لذا میزان یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۸۴ فرعی از ۴ اصلی بخش ۰۹ به مساحت ۱۱۱/۵ مترمربع مساحت ششدانگ به مبلغ ۴/۲۰۱/۶۶۶/۶۶۶ ریال چهار میلیارد و دویست و یک میلیون و ششصد و شصت و شش هزار و ششصد و شصت و شش ریال با مالکیت آقای روح اله غلامی نیا در پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۰۰۰۷۸۴ به طلبکاری خانم فاطمه رنجبر از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۱ (یازدهم مرداد ماه یک هزار و چهارصد و چهار) در محل اجرای ثبت اسناد آمل از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت به شماره IR۴۸۰۱۰۰۰۰۴۰۵۳۰۱۳۲۰۷۵۵۰۳۸۶ و شناسه ۹۴۸۱۰۸۵۵۳۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به حساب سپرده ثبت می باشد که می بایست حداقل ۴۸ ساعت قبل از برگزاری مزایده واریز تا تائید فیش واریزی توسط حسابداری اداره امکان پذیر گردد یا پرداخت مستقیم از واحد حسابداری حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده الزامی است. برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند. مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۲۹

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی آمل - موسی زاده

مخاطب محترم آقای علیرضا سماواتی با کدملی ۰۰۶۲۰۷۹۶۴۶ با احترام عطف به مرقومه شماره ۱۴۰۴۶۸۹۹۰۰۱۵۷۰۶۴۱۵ مورخه ۱۴۰۴/۳/۱۹ شعبه اول اجرای احکام مدنی مجتمع قضائی شهید مدنی تهران درخصوص اجرائیه شماره ۹۵۷۴۲۰۲۲۸۹۰۰۱۲۷ مورخه ۱۳۹۵/۴/۸ موضوع دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۵۲۷۰۴۹۱ مورخه ۱۴۰۳/۴/۱۸ شعبه ۳۳ و دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۰۱۰۸۰۴۱۹ مورخه ۱۴۰۴/۱/۳۰ شعبه ۵۹ تجدیدنظر از جنابعالی دعوت می شود جهت انتقال کل سهمی خود از پلاک ثبتی ۴۶۵۲۴ فرعی از ۷۴ اصلی واقع در بخش ۱۱ حوزه ثبتی سعادت آباد تهران و امضا ذیل سند انتقال مربوط به ملک فوق الذکر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ ابلاغ این اخطاریه در دفتر اسناد رسمی ۱۴۰۷ تهران به نشانی تهران خیابان آزادی مقابل وزارت کار نبش کوچه آشیان پلاک ۳۰۶ واحد ۷ کدپستی ۱۳۴۵۶۹۷۴۶۳ حضور به هم رسانید بدیهی است در صورت عدم حضور سند انتقال توسط نماینده محترم دادگاه به امضا خواهد رسید.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۴/۲۹

خ ش ۱۴۰۴/۴/۲۹

آگهی دعوت از سهامداران

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت آتاپروفیل سلماس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۰۶۷۷۰ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۵ به آدرس استان آذربایجان غربی - شهرستان سلماس - شهرک صنعتی - شرکت آتاپروفیل سلماس کدپستی ۵۸۸۱۷۱۳۱۹۴ برگزار می گردد، حضور به هم رسانند یا نمایندگان خود را معرفی نمایند.

دستور جلسه:

انتخاب اعضای هیات مدیره جدید شرکت

«این آگهی به منزله دعوت رسمی از سهامداران شرکت می باشد.»

هیات مدیره شرکت آتاپروفیل سلماس

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۴/۲۹

خ ش ۱۴۰۴/۴/۲۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی (از نوع زمین کاربری باغی با مجوز دامداری) دارای پلاک ۳۶۸ فرعی از ۱۷- اصلی اراضی سوسرا بخش ۸ حوزه ثبتی آزادشهر به مساحت ۳۳۰۰ مترمربع ملکی آقای حمیدرضا نعیمی فرزند ناصر شماره شناسنامه ۴۸۷۰۰۲۷۶۵۸ صادره رامیان باستناد تبصره ماده ۱۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ (سی و یکم تیرماه و یکهزار و چهارصد و چهار شمسی) در محل وقوع ملک واقع در اراضی روستای سوسرا - انتهای روستا - اراضی زراعی بعمل خواهد آمد، از اینرو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صور تمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آزادشهر تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواستی به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را در یافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار: روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

م الف ۹۸۲۶

اداره ثبت اسناد و املاک آزادشهر

اطلاعیه پذیرش عضو

انجمن صنفی کارگری رانندگان حمل و نقل مسافربری شهرستان اشتهارد

به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آیین نامه مصوب هیات وزیران، انجمن صنفی با عنوان فوق در شرف تاسیس می باشد. کلیه کارگران شاغل در صنف مزبور در صورت تمایل به عضویت، از تاریخ انتشار این اطلاعیه ظرف مدت هفت روز می توانند درخواست کتبی خود را به دو شماره تلفن ۰۹۱۲۵۶۹۳۴۷۵- ۰۹۱۲۷۳۸۴۷۲۰ ارسال کنند.

هیات موسس:

۱- سیدرضا ساجدی ۲- سیداسماعیل ساجدی
۳- محسن نوفلاح

نماینده هیات موسس: سیدرضا ساجدی

انجمن صنفی کارگری رانندگان حمل و نقل مسافربری شهرستان اشتهارد

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۴/۲۹

خ ش ۱۴۰۴/۴/۲۹

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (فوق العاده) نوبت اول شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان ناحیه ۲ اردبیل

به شماره ثبت ۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۵۳۷۹۳

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان ناحیه ۲ اردبیل دعوت به عمل می آید در مجمع عمومی عادی (فوق العاده) نوبت اول که در روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۵/۲۷ راس ساعت ۱۷ بعدازظهر در محل مسجد جوادالائمه کوی فرهنگیان برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- گزارش هیات مدیره و بازرس
۲- طرح و تصویب ترازنامه حساب سود شرکت در سال ۱۴۰۳
۳- اتخاذ تصمیم نسبت به تقسیم سود به نسبت موجودی سهامداران
۴- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۴
۵- اتخاذ تصمیم نسبت به پاداش هیات مدیره و بازرس و مدیرعامل و کارکنان شرکت
۶- انتخاب بازرس

** کلیه داوطلبان تصدی سمت بازرسی شرکت تعاونی موظفند حداکثر ظرف مدت ۵ روز پس از انتشار آگهی دعوت درخواست کتبی خود را همراه با مدارک لازم (کپی شناسنامه تمام صفحات و کپی کارت ملی -گواهی عدم سوءپیشینه - برگ ثنا) در وقت اداری به دفتر شرکت تعاونی تحویل و رسید دریافت نمایند.

هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان ناحیه ۲ اردبیل

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۴/۲۹ خ ش ۱۴۰۴/۴/۲۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک دستجرد تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده اند.

۱- رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۳۰۰۲۱۱۵ پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۳۰۰۰۰۶۱ مربوط به تقاضای خانم سکینه دوستی به شماره ملی ۳۹۹۱۳۱۲۳۱۱ فرزند عزیزاله در ششدانگ قطعه زمین مزروعی /باغ قسمتی از پلاک ۲۰۶۷ فرعی از ۱۱ اصلی.. به مساحت ۱۵۳۷ متر مربع واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک دستجرد مبایعه نامه عادی از طرف ولی اله فرهنگ مع الواسطه به متقاضی انتقال یافته است. (م الف ۱۹۶۴۸۱۵)

۲- رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۳۰۰۲۰۵۴ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۳۰۰۰۰۴۷ مربوط به تقاضای بهرام زین العابدینی قمی به شماره ملی ۰۳۸۵۷۸۲۹۹۳ فرزند رضا در ششدانگ قطعه زمین مزروعی /باغ قسمتی از پلاک ۱۴۲۲ فرعی از ۱۱ اصلی.. به مساحت ۲۴۶۴/۹۴ متر مربع واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک دستجرد متقاضی مالک رسمی می باشد. (م الف ۱۹۶۴۸۱۵)

که مورد تایید قرار گرفته و از آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی و انقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد دستجرد تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

مهدی حسن پور - رئیس ثبت اسناد و املاک خلجستان